



تحوالات اقتصاد ایران

«تحلیل مقایسه‌ای پیش و پس از انقلاب اسلامی»

مؤلف: دکتر عبدالمحمد کاشیان

عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

www.ketab.ir

سرشناسه	: کاشیان، عبدالمحمد، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: تحولات اقتصاد ایران (تحلیل مقایسه ای پیش و پس از انقلاب اسلامی)/مؤلف عبدالمحمد کاشیان.
مشخصات نشر	: تهران: میعاد اندیشه ، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۱ ص.: جدول (رنگی)، نمودار (رنگی).
شابک	: 978-622-231-918-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: ایران - اوضاع اقتصادی -- ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ Iran -- Economic conditions -- 1925 - 1979
موضوع	: اقتصاد -- ایران -- تاریخ Economics -- Iran -- History
موضوع	: ایران - سیاست اقتصادی -- ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ Iran -- Economic policy -- 1925 - 1979
رده بندی کنگره	: HC۲۷۵
رده بندی دیویی	: ۳۳۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۰۶۸۵۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



Miaadpub.ir

تلفن انتشارات: ۰۹۱۲۵۱۲۰۰۶۷ - ۰۱۷۴۴۸ - ۰۲۱۶۶۰۱۴۷۹۷ - ۰۲۱۶۶۰۱۴۶۶۰

عنوان کتاب: تحولات اقتصاد ایران (تحلیل مقایسه ای پیش و پس از انقلاب اسلامی)

مؤلف: دکتر عبدالمحمد کاشیان

ناشر: میعاد اندیشه

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۱-۹۱۸-۲

همه ی حقوق مادی و معنوی این اثر برای مؤلف محفوظ است.

تکثیر و انتشار این اثر به هر صورت، از جمله بازنویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی

و ذخیره در سیستم های بازیابی و پخش، بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از مترجمین

به هر شکلی ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد

(فهرست اجمالی)

مقدمه: ۱۰

فصل ۱: تولید ملی

۱- اهمیت تولید در اقتصاد ملی: ۴۰

۲- شاخص‌های سنجش تولید ۴۰

۳- جایگاه جهانی ایران در تولید ناخالص داخلی ۴۳

۴- تحلیل روند تولید ناخالص داخلی در ایران ۴۷

۵- تحلیل رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۸ ۵۳

۶- تحلیل روند تولید در ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۶ ۶۰

۷- تحلیل بین بخشی تولید ناخالص داخلی ۶۷

فصل ۲: علم، فناوری و اقتصاد دانش بنیان در ایران

۱- اقتصاد دانش بنیان: ماهیت و ابعاد آن ۱۷۸

۲- چرخه تولید محصولات دانش بنیان از تولید ایده تا تجاری سازی: ۱۸۶

۳- تحلیل آماری بخش دانش بنیان در ایران ۱۸۹

۴- سایر شاخص‌های علم و فناوری ۱۹۳

فصل ۳: رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی

۱- شاخص‌های سنجش رفاه اقتصادی ۲۰۲

۲- بررسی و تحلیل شاخص‌های رفاه اقتصادی و اجتماعی ۲۰۵

فصل ۴: زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی

۱- حمل و نقل: ۲۵۲

۲- بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT): ۲۷۰

فصل ۵: اقتصاد دفاع و امنیت ملی در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی

۱- نیروی نظامی ایران در دوره پهلوی اول و دوم ۲۸۶

۲- قدرت نظامی ایران بعد از انقلاب اسلامی ۲۹۱

فصل ۶: فساد اقتصادی

۱- تحلیل نظری از فساد اقتصادی ۳۰۲

۲- نقش ساختارهای سیاسی و اقتصادی در ایجاد فساد ۳۰۵

مقدمه:

در حالی که جامعه ایران برای سالیان متمادی از استعمار خارجی و استبداد داخلی رنج می‌برد، مجموعه عواملی دست به دست هم داد تا یک انقلاب جوشیده از متن مردم، دوره جدیدی از تاریخ را برای ملت ایران رقم بزند. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی نه تنها یک نقطه عطف تاریخی برای ملت ایران رقم زد، بلکه بستر ساز تحولات عمیقی در سطوح مختلفی از لایه‌های سیاسی منطقه و جهان گشت و صفحه جدیدی از معادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در غرب آسیا گشود. استعماری که برای سالیان متمادی بهره‌های فراوانی از منابع کشور برده بود و آن روز منافع عظیم خود را از دست رفته می‌دید، از این انقلاب مردمی راضی نبود و استبدادی که برای سالیان متمادی طعم قدرت را چشیده بود و بهره‌های فراوانی از ثروت‌های ملی برده بود، از دست دادن قدرت و فرار از کشور را بر نمی‌تابید. همین موضوع سبب شده بود چشم طمع به دست‌اندازی مجدد به منابع این کشور داشته باشد. از سویی آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران و قدرت گرفتن نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌توانست یک خطر بالقوه بسیار جدی برای منافع استعمارگران و قدرت‌های اقتصادی جهان باشد و اهمیت این مقوله کمتر از چشم طمع آنان به منابع اقتصادی ایران نبود؛ آن‌گونه که از بُعد اقتصادی، کشور چین توانست با تقویت ارکان اقتصادی خود و ایجاد تغییرات ساختاری جدی اقتصاد خود را در سطح بالاتری از آمریکا قرار دهد و به قدرت شماره ۱ اقتصادی جهان تبدیل شود و بر اساس تحلیل اندیشکده‌های معتبر دنیا، به بزرگ‌ترین تهدید پیش‌روی آمریکا تبدیل شود. همین مسئله غربی‌ها را بر آن داشت که از تکرار اتفاقاتی از این دست جلوگیری کنند. مضافاً بر اینکه انقلاب اسلامی ایران علاوه بر بعد اقتصادی، یک بعد ایدئولوژیک نیز به همراه داشت که خطرات بالقوه آن برای قدرت‌های شرقی و غربی کمتر از جنبه اقتصادی آن نبود. در چنین شرایطی و با توجه به اینکه ایران پیش از انقلاب در همه عرصه‌ها اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیار عقب مانده بود، فرصت بسیار مناسبی ایجاد می‌کرد که این عناصر شوم، چشم طمع به بازگشت مجدد به منافع و از بین بردن یک خطر بالقوه برای خود داشته باشند. تاریخ ایران در سالیان پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این عناصر از هیچ تلاشی برای رسیدن به اهداف خود دریغ نکردند و در هر زمان و هر مکانی که توانستند سعی بر براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران داشتند و آنجایی که توان این کار را نداشتند، سعی کردند با آسیب زدن به کشور از روش‌های مختلف، سرعت این حرکت بزرگ را بکاهند. در سال‌های بعد از انقلاب

ایران، سیاست‌های مداخله‌جویانه ایالات‌متحده، چالش‌های امنیتی و اقتصادی بسیاری را برای دولت و جامعه ایران به وجود آورد. واقعیت آن است که عملکرد آمریکا و سایر کشورهای غربی در سال‌های قبل از انقلاب از کودتای ۲۸ مرداد گرفته تا نقش مداخله‌گرایانه آن‌ها در حاکمیت ایران، به گونه‌ای بود که یک غرب ستیزی بسیار شدیدی در میان جامعه ایرانی حاکم شده بود. بعد از انقلاب نیز سیاست‌های تهاجمی آمریکا و غرب نیز بیش از آنکه منجر به کاهش آمریکاستیزی یا غرب‌ستیزی در ایران شود، تضادهای بیشتری را در روابط دو کشور به وجود آورده است؛ گویی چنین الگویی در کنش سیاسی آمریکا عموماً به عنوان بخشی از واقعیت‌های رفتاری ایالات‌متحده نیز محسوب می‌شود. آغاز اقدامات آمریکایی‌ها و به تبع آن سایر کشورهای غربی در مواجهه با ایران، شروع یک نبرد سخت و جنگ نظامی علیه ایران بود. از آنجا که کشورهای مورد اشاره به عقب‌ماندگی ایران در دوره پهلوی واقف بودند و توان نظامی ایران را ناچیز می‌شماردند، سعی کردند در قالب یک جنگ سخت به اهداف شوم خود دست یابند و مجدداً تسلط خود را بر کشور ایران گسترش دهند. مهم‌ترین اقدامی که در این زمینه خصوصاً توسط آمریکایی‌ها دنبال شد، حمله نظامی آمریکا به طبرس، کودتای نوژه که با هماهنگی اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه در آن دوره نظیر عربستان، مصر، عراق و با پشتیبانی مالی مستقیم و غیرمستقیم آمریکا صورت گرفت و نهایتاً تحریک عراق و تحمیل جنگ علیه ایران و رویارویی و دخالت نظامی مستقیم در جنگ نظامی بود. تلقی کشورهای غربی و خصوصاً آمریکا این بود که می‌تواند به راحتی و با تکیه به نیروی نظامی صدام، کشور را تحت نفوذ مجدد خود قرار دهد. این در حالی بود که علی‌رغم ضعف قدرت نظامی کشور از بعد تجهیزات و وارداتی بودن آن و در اختیار نداشتن توان داخلی لازم برای تولید اسلحه و تجهیزات، ایستادگی مردم ایران و تقدیم کردن ۳۰۰ هزار شهید در طول ۸ سال دفاع مقدس، پیروزی بسیار مهمی در برابر این تهاجم به وجود آمد و جمهوری اسلامی ایران با تمام قدرت، در مقابل تمامی تهدیدات سخت پیروز گردید و ناامیدی از جنگ سخت را در دل دشمنان ایجاد کرد. با این وجود تا سال ۱۳۶۸، آسیب‌های بسیار جدی به زیرساخت‌های اساسی کشور وارد آمده بود که نقش منفی قابل توجهی در اقتصاد ایران ایجاد کرده بود. زمانی که کشورهای مذکور از اثر بخشی بالای مقابله نظامی ناامید گشتند، تلاش کردند که از طریق ایجاد یک جنگ نرم به اهداف خود نائل آیند. مهم‌ترین ارکان این مسیر فشارهای اقتصادی و اقدامات تحریمی علیه نظام جمهوری اسلامی، حمایت، سازمان‌دهی و هدایت مخالفان نظام، فضا سازی سیاسی و تبلیغاتی و جنگ روانی

علیه نظام جمهوری اسلامی، اختصاص بودجه‌های کلان برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی، مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به فناوری هسته‌ای و تهاجم فرهنگی بود تا از طریق تغییر دیدگاه‌ها از یک سو و ایجاد فشار اقتصادی از سوی دیگر، با نفوذ در میان سیاستمداران و تحت تاثیر قرار دادن مردم، خواسته‌های خود را به کرسی بنشانند. مهم‌ترین اقدامی که آمریکا و سایر کشورهای غربی برای تحت فشار قرار دادن ایران قرار دادند، تحریم‌های اقتصادی شدیدی بود که در نوع خود کم نظیر بود. آمریکایی‌ها و به تبع آنان سایر کشورهای همراه با آنان برای همراه ساختن جامعه جهانی و سایر کشورها، ۴ موضوع حقوق بشر، برنامه موشکی ایران، حمایت از تروریسم و برنامه هسته‌ای را به عنوان بهانه خود برای مقابله با ایران مطرح کردند و این در حالی است که نسبت به هر یک از آن‌ها، در مورد بسیاری از کشورهای دیگر که ناقض حقوق بشر بوده و یا توان موشکی هسته‌ای نیز داشته، سکوت پیشه کردند. اقدامات خصمانه و مقابله‌ای آمریکایی‌ها و سایر کشورهای همراه آنان در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران به قدری گسترده بود، که رویارویی با آن به نلادگی امکان پذیر نبوده است. تحریم‌های پولی و ارزی و نیز ممنوعیت بیمه و خدمات مالی، مالیات بر صادرات کالاها، ایرانی، محدودیت مالی و بانکی و خصوصاً تحریم بانک مرکزی ایران، تحریم نقل و انتقال مالی، مسدود کردن دارایی‌های خارج از کشور، اختلال در ایجاد اعتبار اسنادی، ایجاد مانع برای سرمایه‌گذاری خارجی و نهایتاً تحریم بانک‌ها و بانک مرکزی از جمله مهم‌ترین اقدامات این کشورها بود که به زعم بسیاری از کارشناسان اعمال نظیر این تحریم‌ها به بسیاری از کشورهای دیگر، سبب فروپاشی اقتصاد آنان می‌شد. با این حال موضوع تحریم‌ها علیه ایران به همین جا ختم نشد. وابستگی مالی ایران به درآمدهای نفتی که از سال‌های قبل از انقلاب اسلامی به وجود آمده بود سبب می‌شد که این وابستگی به یکی از نقاط ضعف و به تعبیری تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود و فرصت بسیار مناسبی را به دشمنان ایران دهد. تحریم‌های تجاری با هدف ممنوعیت در صادرات و واردات کالاها که مهم‌ترین آن تحریم‌های موسوم به کاتسا بوده است. این تحریم‌ها جهت مقابله با دشمنان آمریکا با استفاده از تحریم ۲۰۱۷ که شامل تحریم اشخاص و شرکت‌های ایرانی می‌شود، تحریم‌های حوزه انرژی که با هدف کاهش صادرات نفت ایران - به دلیل وابستگی کشور به درآمدهای نفتی از تحریم‌های مؤثر است، قانون ایسا و تحریم‌های یوترن سایر اقدامات تخریبی آمریکایی‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران بود. طبیعی است که در چنین شرایط دشواری، اقتصاد ایران با انبوهی از مشکلات مواجه شود. با این حال تجربه تاریخی ایران

پس از ۴۰ سال نشان داد که علی رغم همه مسائل پیش‌رو، مقاومت و ایستادگی همراه با مدیریت صحیح و سلامت مدیران و تکیه بر توان داخلی همواره امکان پیشرفت را در بدترین شرایط ممکن نیز فراهم خواهد آورد.

یکی از مهم‌ترین راهبردهای جنگ نرم دشمنان ایران اسلامی، ایجاد یاس و ناامیدی در میان مردم است. خصوصاً اینکه دستگاه‌های رسانه‌ای غربی تلاش زیادی داشتند تا وانمود کنند انقلاب اسلامی ایران سبب عقب ماندگی ایران از قافله توسعه و پیشرفت شده است. مهم‌ترین شگردهای رسانه‌ای دشمنان ایران برای تشدید فشار علیه ایران عبارت بوده از: ۱- مقایسه ایران پس از انقلاب اسلامی با ایران پیش از انقلاب اسلامی در برخی از شاخص‌های خاص و هدفدار، ۲- مقایسه ایران پس از انقلاب اسلامی با کشورهای توسعه یافته در برخی از شاخص‌های خاص و هدفدار، ۳- پنهان کردن آمار پیشرفت و توسعه اقتصادی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ۴- تکرار ادعاهای دروغ و نیز بزرگنمایی نقاط ضعف و پنهان داشتن نقاط قوت. البته نباید کم‌کاری، اشتباهات و قصورات برخی از مسئولین در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی را نیز در شدت بخشیدن به این فشارها نادیده گرفت. همین شگردهای رسانه‌ای و همه‌جانبه سبب شده است که درک صحیحی از اقتصاد ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی، وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد منطقی‌ترین راه برای درک صحیح از اقتصاد ایران در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی، در اختیار داشتن یک نگاه همه‌جانبه و کامل، بی‌طرف و متکی بر داده‌های واقعی اقتصادی است. داده‌هایی که بیش از همه می‌تواند واقعیت‌های اقتصادی ایران را شرح دهد و دستاوردها و البته نقاط ضعف اقتصاد ایران را طی سال‌های مختلف مشخص نماید. بر این اساس کتاب حاضر با تکیه بر داده‌های معتبر از بانک جهانی (WB)، سازمان غذا و کشاورزی (FAO)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، اتحادیه جهانی مخابرات (ITU)، سازمان تجارت جهانی (WTO)، مرکز آمار ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی ایران پرداخته و جنبه‌های مختلفی از مسئله تولید، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان، رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی، زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، دفاع و امنیت ملی و نیز فساد اقتصادی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. مجموعه دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد علی‌رغم همه تحریم‌های اقتصادی و سیاسی اقتصاد ایران و تحمیل ۸ سال جنگ تحمیلی و آثار بعد از آن، اقتصاد ایران از مسیر توسعه و پیشرفت عقب ننشسته و دستاوردهای بسیار زیادی را به خود دیده است. مهمترین سرفصل‌هایی که مقایسه آن

پیش و پس از انقلاب اسلامی ضروری به نظر می‌رسد عبارتند از تولید، اقتصاد دانش‌بنیان، رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی، زیرساخت‌های اقتصادی، اقتصاد دفاع و امنیت ملی و فساد اقتصادی که به ترتیب فصول اصلی کتاب را شامل می‌شود. بررسی این شاخص‌ها در سراسر کتاب به همراه تحلیل آن‌ها مورد تاکید خواهد بود، با این وجود در ادامه مقدمه به بررسی اجمالی تحولات شاخص‌های کلان ایران در حوزه اقتصادی خواهیم پرداخت و به تعبیری خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده در این کتاب را به صورت اجمالی بیان خواهیم کرد و تفصیل آن را به فصل‌های اصلی کتاب خواهیم سپرد.

- ۱- (تولید) بر اساس داده‌های بانک جهانی و رتبه‌بندی صورت گرفته بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (PPP) در سال ۲۰۱۷، اقتصاد ایران با تولید ناخالص داخلی ۱۶۹۵ میلیارد دلار در رتبه ۱۸ دنیا قرار گرفته است. بر این اساس اقتصاد ایران در بین ۲۰ کشور برتر دنیا قرار گرفته است و سطح نسبتاً مناسبی از تولید ملی را به خود اختصاص داده است. رتبه‌بندی صندوق بین‌المللی پول برای سال ۲۰۱۹ نیز همین رتبه را برای ایران پیش‌بینی کرده است.
- ۲- (تولید) از آنجا که تولید ناخالص جهان برابر با ۱۲۸۷۱۸۳۸۲ میلیون دلار است، سهم ایران از این سطح از تولید ۱٫۳ درصد از تولید ناخالص کل جهان است که بیش از ۲٫۵ برابر متوسط جهانی است.
- ۳- (تولید) در سال ۱۳۵۷ و پایان حکومت پهلوی تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ برابر با ۹۸ هزار میلیارد تومان بوده است که در سال ۱۳۹۶ این شاخص به ۱۵۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۶۷ این شاخص به ۴۲ هزار میلیارد تومان کاهش و در سال ۱۳۶۸ و پایان جنگ تحمیلی به ۴۸ هزار میلیارد تومان رسیده است. از سال ۶۸ و پایان جنگ تحمیلی و آغاز بازسازی کشور روند رشد اقتصادی ایران آغاز گردید. به گونه‌ای که ۱۰ سال بعد در سال ۱۳۷۸ تولید ناخالص ایران به ۲ برابر افزایش یافت و در سال ۱۳۸۸ مجدداً ۲ برابر افزایش یافت. به گونه‌ای که در طول یک دوره ۲۰ ساله اقتصاد ایران رشدی معادل ۳۵۴ درصد را تجربه کرد و به عددی معادل ۱۷۰ هزار میلیارد تومان رسید. در سال‌های ۸۸ تا ۹۰ نیز رشد اقتصادی مسیر مناسبی را طی کرد به گونه‌ای که تولید ناخالص داخلی به ۱۹۹ هزار میلیارد تومان نزدیک رسید که بخشی از آن ناشی از افزایش قیمت جهانی نفت بود. با این وجود از سال‌های ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۴ هم‌زمان با کاهش قیمت

نفت و آغاز دور جدیدی از تحریم‌های خصمانه علیه ایران، تولید ناخالص داخلی مجدداً شروع به کاهش کرد که در سال ۱۳۹۶ به ۱۵۶ هزارمیلیارد تومان رسید.

۴- (تولید) اقتصاد ایران طی سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی رشد مناسبی را تجربه کرد، اما این رشد اقتصادی این سال‌ها به دلیل (۱) وارداتی بودن صنایع، (۲) متکی بودن به درآمدهای نفتی و (۳) دولتی بودن آن کیفیت لازم برای ثبات را نداشت و در سال‌های پایانی حکومت پهلوی با افت یکباره بی‌ثباتی خود را نشان داد. این در حالی است که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی سهم بخش خصوصی افزایش یافت، وابستگی به درآمدهای نفتی کاهش و نیز اتکا به توان داخلی برای تولید کالاها نیز افزایش یافت که مستندات آن در فصول این کتاب آمده است.

۵- (تولید) علی‌رغم تحریم‌های متعددی که از سوی دولت آمریکا و سایر کشورهای متخاصم علیه ملت ایران وضع گردید و در برهه‌های مختلفی از زمان شرایط سختی را بر کشور تحمیل کرد و باعث نوسانات زیادی در اقتصاد ایران نیز شد، روند رشد تولید در اقتصاد ایران یک روند مثبت بود، به‌گونه‌ای که تولید ناخالص داخلی کشور بدون احتساب درآمدهای نفتی از ۶۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۵۷ به ۱۹۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۰ رسید؛ به عبارت دیگر اقتصاد ایران در طی این سال‌ها در حوزه غیر نفتی به ۳ برابر اندازه قبلی خود رسید و این در حالی است که جمعیت کشور طی این سال‌ها ۲٫۲۵ برابر افزایش یافت که این نشان از افزایش تولید سرانه نیز هست. اقتصاد ایران سال‌های بعد از جنگ تحمیلی و تا سال ۱۳۹۰ بدون احتساب درآمدهای نفتی رشد معادل ۵٫۶ درصد به طور میانگین را تجربه کرد. با این وجود در سال‌ها ۱۳۹۱ و هم‌زمان با دور جدید تحریم‌ها علیه ملت ایران و نیز بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۸ اقتصاد ایران رشد اقتصادی منفی را تجربه کرد. به طور کلی سال‌های بعد از جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۹۶ در ایران رشد اقتصادی بدون نفت معادل ۴٫۶ درصد می‌باشد که برای یک دوره ۳۰ ساله عدد نسبتاً مناسبی است.

۶- (تولید) در سال‌های پایانی حکومت پهلوی سهم نفت در تولید ناخالص داخلی تا ۶۰ درصد و سهم نفت در بودجه تا ۷۷ درصد نیز رسیده بود. حسب آمارهای موجود وابستگی بودجه کشور بعد از انقلاب اسلامی با یک روند پرنوسان و البته کاهشی همراه بود و در سال ۱۳۹۶ به ۳۲ درصد از کل بودجه رسیده است؛ با این وجود مهم‌تر از آن سهم نفت در تولید ناخالص داخلی است که در سال ۱۳۹۶ به ۱۶ درصد رسیده

است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ به دلیل تحریم‌های نفتی ایران و فروش نرفتن نفت، این سهم به ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی نیز رسیده بود.

۷- (تولید) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مسائل مهم و اساسی در سیاست گذاری کشور، خصوصی سازی بخش‌های دولتی اقتصاد بود که همواره با فراز و فرودهای زیادی همراه بود. هر چند در واگذاری‌ها مشکلات زیادی به وجود آمد، اما در روند تشکیل سرمایه توسط بخش خصوصی تغییرات قابل توجهی ایجاد شد.

۸- (تولید) در سال ۱۳۳۸ بخش نفت ۵۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده است و این در حالی است که بخش خدمات ۳۰ درصد و نیز بخش کشاورزی ۸ درصد و نهایتاً بخش صنعت به ۷ درصد رسیده است. این موضوع دلالت بر آن دارد که اقتصاد ایران در این سال‌ها وابستگی بسیار زیادی به نفت داشته و مجموع سهم کشاورزی و صنعت از ۱۵ درصد تجاوز نکرده است. در سال ۴۸، ده سال بعد درآمدهای نفتی کشور این نسبت‌ها به مراتب ناخوشایند تر است. در این سال‌ها سهم کشاورزی تنها ۴ درصد و صنعت از ۸ درصد تجاوز نمی‌کند، در حالی که نفت ۶۵ درصد اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده است و این نشان از آن داشته که در این سال‌ها وابستگی کشور به درآمدهای نفتی بیشتر نیز شده است. در سال‌های بعدی نیز این روند ادامه یافته است و تنها در سال‌های پایانی رژیم پهلوی است که سهم صنعت به ۱۶ درصد رسیده و درآمدهای نفتی ۴۰ درصد و نیز کشاورزی ۴ درصد از اقتصاد را به خود اختصاص داده است. در مجموع در ۲۰ سال منتهی به انقلاب اسلامی اقتصاد ایران، ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی مربوط به درآمدهای نفتی بوده است و این موضوع آسیب بسیار زیادی برای اقتصاد به همراه داشته است که از جمله آن دولتی شدن اقتصاد و نیز وابسته شدن مدیریت کشور به درآمدهای نفتی و تضعیف بخش خصوصی همراه با فساد زیاد برای سیستم اقتصادی کشور بوده است. بعد از انقلاب اسلامی سهم نفت در تولید ناخالص داخلی به شدت کاهش یافت. به گونه‌ای که سهم آن در برخی از سال‌ها به ۱۰ درصد نیز رسید و در این میان سهم بخش تولید، کشاورزی و خدمات افزایش یافت. ارزش افزوده بخش صنعت و معدن در همین سال‌ها به ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی رسید و بخش کشاورزی ۷ درصد و نهایتاً بخش خدمات ۶۰ درصد از اقتصاد رسید. در مجموع در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی بخش صنعت و معدن به طور متوسط ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده و بخش

کشاورزی ۷ درصد، بخش نفت ۲۳ درصد و بخش خدمات ۴۹ درصد از سهم تولید ناخالص داخلی در طول سال‌های مختلف را به خود اختصاص داده‌اند.

۹- (تولید) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و دوره جنگ تحمیلی، رشد بخش کشاورزی به ۴٫۵ درصد افزایش پیدا کرد و میزان تولید در ایران علی‌رغم فشارهای ناشی از جنگ تحمیلی مثبت بود.

۱۰- (تولید) بر اساس آمار سازمان جهانی فائو (سازمان غذا و کشاورزی) در سال ۲۰۱۷، ایران در تولید محصولات مختلف دارای رتبه‌های جالب توجهی است. در این سال ایران در تولید ۲۱ محصول اساسی در بین ۵ تولیدکننده برتر دنیا قرار داشته است که از جمله آن می‌توان به پسته، هندوانه، خرما، خیار، گردو، طالبی و خربزه، گیلان، به، پیاز، کیوی، بادام، اسفناج، آلو، میوه‌های تازه و گرمسیری، انجیر، بادمجان، آلبالو، زردآلو اشاره کرد. همچنین در تولید ۱۲ محصول رتبه ۶ تا ۱۰ جهانی را به خود اختصاص داده است و در ۲۰ محصول نیز رتبه ۱۱ تا ۲۰ تولید جهانی را به خود اختصاص داده است.

۱۱- (تولید) در سال ۱۳۶۸ که تولید صنعتی در کشور به ۱۲ هزار میلیارد تومان (به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳) بود، در سال ۱۳۹۰ به ۵۶ هزار میلیارد تومان رسید که نشان از رشد ۴۶۰ درصدی طی این ۲۲ سال داشت. با این وجود در سال ۱۳۹۰ و هم‌زمان با تحریم‌ها خصمانه علیه کشور و همچنین تحریم بانک مرکزی که مهم‌ترین اقدام آمریکا علیه ایران محسوب می‌شد، تولیدات صنعتی در کشور دچار نوساناتی شد که نشان از مقاوم نبودن اقتصاد در برابر تکانه‌های خارجی بود. در سال‌های بعدی تولیدات صنعتی کشور دچار مشکلاتی شد. در مجموع طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و علی‌رغم همه تحریم‌ها، رشد اقتصادی ایران در بخش صنعت اعدادی مانند ۲۳ درصد، ۱۴ درصد و ۹ درصد را نیز تجربه کرد، با این وجود در مجموع سال‌های بعد از جنگ تحمیلی صنعت در ایران به طور متوسط رشد ۳٫۵ درصدی را تجربه کرده است که برای یک دوره ۳۰ ساله نرخ نسبتاً قابل قبولی است.

۱۲- (تولید) در حالی که ارزش افزوده بخش صنعتی در ایران در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی از ۵۳۰۰ میلیارد تومان (به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳) فراتر نرفته است، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به ۳۶ هزار میلیارد تومان (به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳) رسیده است.